

نقدی بر رأی عدم استماع درخواست ملاقات فرزند بالغ

حسین داودی بیرق^۱

مریم غنی زاده بافقی^۲

چکیده:

رای پیش رو که موضوع نقد این مقاله است در راستای همان اندیشه متداولی است که در رویه بیشتر دادگاهها قرار گرفته است و در این رویکرد حقوق خانواده و اختلافات ناشی از آن چون سایر دعاوی مالی و غیر مالی تلقی شده است. این اندیشه تاکید دارد که برای دعاوی ملاقات فرزند مشترک باید دید، فرزند مشترک بالغ است یا خیر، در فرض بلوغ دادگاه خود را فارغ از رسیدگی به دعاوی ملاقات فرزند مشترک می‌داند، زیرا این دعوا را چون سایر دعاوی غیر مالی تلقی می‌کند و استماع دعوا را پس از بلوغ طفل نمی‌پذیرد و معتقد است فرزند مشترک بالغ حتی اگر دختری ۹ ساله باشد خود باید در مورد ملاقات با والدینش تصمیم بگیرد، این اندیشه مورد نقد است؛ زیرا در واقع امر فرزندی که با یکی از والدین زندگی می‌کند، بیشتر از آن‌که در مورد زندگی شخصی‌اش تصمیم گیرنده باشد، تحت تاثیر افکار والدی است که با او زندگی می‌کند و عدم رسیدگی به درخواست والد دیگر هم فرزند و هم والد مذکور را از حقوق بنیادین خود محروم می‌سازد؛ بنابراین باید دادگاهها را در حل این معضل مکلف به ورود باشند و آن را لازمه حفظ حقوق کودک و والدین بدانند، این رویکرد با احادیث و دیدگاههای فقهی و همچنین اسناد حقوق بشری هم سو است.

کلیدواژه‌ها: رویه قضایی، دعاوی ملاقات فرزند، بلوغ، حقوق کودک.

۱. استادیار گروه حقوق خصوصی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی

Email: hoseindavoodi@khu.ac.ir

۲. استادیار گروه حقوق خصوصی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی
Email: m.ghb@khu.ac.ir